

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

صلح پایدار

درواه تأمین نیازمندیهای زندگی ، نشیب و فرازها پیموده میشود ؛ ذخائر فکری و نیروهای بدنی مصرف میگردد ، کوششها و تلاشهای مداوم بعمل میآید ، تا موفقیت‌هایی حاصل شود .

امامیدانیم که همه نیازمندیها در یک درجه نیست ؛ و بعضی از آنها پایه اصلی حیات بشر محسوب میگردد ؛ روی همین اصل اگر صلح و مسالمت در نخستین اساس زندگی اجتماعی بشر بنامیم ، اغراق نگفته ایم .

میدانیم اولین محیط اجتماع بشر یعنی محیط خانوادگی ؛ سازش و صمیمیت شدیداً نیازمند است و اگر از این نعمت اساسی محروم باشد ، از مزایای زندگی برخوردار نخواهند شد امروز کشورهای روی زمین در اثر پیشرفت روز افزون وسائل صنعتی بحدی بهم‌دیگر مربوط و نزدیک شده که حکم یک خانواده را پیدا کرده اند خانواده‌ای که تشکیلات وسیعی دارد خانواده‌ای که میلیونها افراد در دامن خود پرورش میدهند ، این خانواده بهمان نسبتی که بنور خورشید و هوای سالم و آب گوارا محتاج است ، بصلح و سازش احتیاج مبرم دارد .

«صلح» کلمه بسیار مقدسی است ، محور آرزوها و امیدها است ، همه میدانند که آزادی کامل تنها در سایه صلح بوجود میآید . همه از اهریمن مهیب جنگ لرزان و گریزاتند همه فرشته زیبای صلح و صفارا تقدیس میکنند . شرق و غرب ، دنیای سرمایه داری و کمونیس ، سپید و سیاه همه و همه خواستار صلح هستند خاطرهای تلخ و ناگوار جنگهای گذشته مخصوصاً جنگ جهانی دوم هنوز از دلها محو نشده ؛ و غرایبهای آن مرمت نگردیده است .

با اینوصف متأسفانه هم اکنون سالیانه میلیاردها برای تسلیحات خطرناک و هدفهای نظامی و تکمیل قدرتهای مخرب خرج میشود، که اگر قسمتی از آن در راه سعادت بشر یعنی تهیه وسائل بهداشت، و بهبود وضع اقتصادی، و تعلیم و تربیت، صرف میشد مسلمانان دنیای بهتری بوجود آمده بود؛ دنیائی که زندگی در آن با مسرت و سلامت توأم بود.

برای اینکه هزینه های سنگین تسلیحات نابودکننده بشر را بدانید، باین نمونه توجه کنید: یکی از جرائد در طی ستونی بعنوان «میلیاردهای از دست رفته» مخارج هدفهای نظامی بلوک غرب را گزارش میدهد و بالاخره اینطور نتیجه میگیرد که: «هرساله صد میلیارد دلار بوسیله دولتهای غرب برای تسلیحات خرج میشود که با آن میتوان صد میلیون خانه و پنجاه هزار مدرسه و ده هزار بیمارستان بنا نمود».

در این ستون فقط بمخارج نظامی دول غربی اشاره شده، و از آنچه که در بلوک شرق برای هدفهای نظامی و موشکهای قاره پیمای خرج میشود اسم برده نشده، و الا مثنوی هفتاد من کاغذ میشد.

راستی چه میشود که هزینه سنگین این سلاحهای نابودکننده که سالها ارزنده ترین سرمایه های فکری و مادی بشر صرف آن شده است؛ در راه تأمین رفاه و آسایش عمومی بکار می افتاد.

* * *

بزرگترین مسئله ای که دنیای فعلی با آن روبرو است و هم اکنون در مجامع بین المللی گفتگو در باره آن میشود؛ مسئله «خلع سلاح» است. زیرا رقابت و مسابقه خطرناکی که در زمینه تهیه سلاحهای نابودکننده، از قبیل تانکها و موشکها و نیروهای اتمی و هیدروژنی پدید آمده است، جهان بشریت را بر سر دوراهی قرار داده است: محو نیستی یا همزیستی مسالمت آمیز، و لذا یکی از هدفهای مهمی که توجه سران دول را بخود جلب کرده است پایه گذاری صلح و صمیمیت است که برای این منظور کنفرانس ها دادند، کنفرانسهایی که توجه مردم جهان را بخود جلب کرد، و میلیاردها چشم بآن دوخته شد مملکتها و ملتها با شور و شوق عجیبی بانتظار نتیجه مثبت این کنفرانس های پرسرو صدا؛ بخبر گذار بهاتوجه مینمودند؛ متأسفانه چیزی نگذشت که امیدها و آرزوها بیأس مبدل شد یعنی: «نشستند و گفتند و برخاستند!» نطقهای دامنه داری ایراد گردید ولی نتیجه ای جز تشدید جنگهای سرد و تهدیدات و حملات شدید بدست نیامد.

بالاخره آنان که خود را خواستار صلح قلمداد میکردند، دریاها خشکیها را زیر پا گذارده، هزارها فرسنگ راه پیموده و از نقاط مختلف دنیا؛ ب جستجوی این گمشده آمده بودند، و از حسن نیت و بشردوستی دم میزدند، دست از پادراز تر برگشتند!

* * *

ب عقیده مانا سرمایه معنوی یعنی ایمان با فریخته و نگهبان نده جهان آفرینش در زندگی بشر حکمفرما نشود، قیافه صلح واقعی در افق زندگی بشر نمودار نخواهد شد. زیرا در سایه ایمان بخدا عواطف عالیة بشردوستی و اخوت و محبت جلوه گر میگردد؛ و حرص و آرزو فرور و جاه طلبی ریشه کن میشود و بالتبیین صلح پایدار بوجود میآید.

راستی دنیای وحشت زده و پریشان امروز؛ اگر بخواهد از بروز جنگهای خانمانسوز و وحشت زاجلو گیری کند، و بحر انهای نژادی و مسئله تبعیضات قومی را حل کند و بالاخره ریشه کلیه مفاسد اجتماعی را بسوزاند، راهی جز این ندارد که از برنامه های آسمانی الهام بگیرد.

راستی این رقابت و صف آرائی هایی که دول بزرگ جهان بوجود آورده اند طلیعه آینده ناگواری است. آینده ای که آتش جنگ را شعله ورمی سازد و طومار زندگی بشر را درهم می پیچد، مگر اینکه در پناه ایمان بخدا و پیروی از مقررات انبیا، صلح پایداری بوجود آید.

قرآن مجید پس از آنکه در طی يك جمله کوتاه و رسا گمشده بشر را بایمان و الصلح خیر معرفی کرده، و در موارد متعددی مسلمانان را بایجاد صلح موظف ساخته؛ اساس صلح را بر ایمان و اخوت استوار ساخته آنجا که فرموده: **الها المؤمنون اخوة فاصلحو این** **اخویکم** یعنی: «مؤمنان برادر یکدیگرند پس میان برادران خود صلح دهید» (آیه ۱۰، سوره حجرات) تا ایمان بخدا نباشد اخوت حقیقی بوجود نیآید و تا روح اخوت در اجتماع بشری بر تونیف کند صلح پایدار تحقق نمیبیرد.

نظام صلح اسلامی از این جهت، اساسی و ریشه دار است که از اعماق دل سرچشمه میگردد و صلحیکه بر این پایه محکم استوار گردیده معلوم است که تا چه حدی اساسی و فنانا پذیر است برای ایجاد این روح سلم و صفا و صمیمیت بود که رسول اکرم (ص) میفرمود:

من بات و فی قلبه غش لاخیه المسلم بات فی سخط الله و اصبح كذلك

حتی یقین یعنی : « کسیکه شبدر خانه خود بخواب رود و در دلش سوء قصدی نسبت برادر مسلمان خود داشته باشد ؛ در غضب خدا بخواب رفته و در همین حال نیز صبح از خواب برمیخیزد تا توبه کند » . . . !

برای تشویق ایجاد این صلح بایدار بود که حضرتش فرمودند : **ما عمل امر قاعلا بعد اقامة الفرائض خیر آ من اصلاح بین الناس** یعنی « بعد از اداء فرائض الهی هیچ عمل مستحبی بیابا ایجاد صلح میان مردم نمیرسد » . . .



در اینجا ذکر یک نکته لازم بنظر میرسد و آن اینست که سران بزرگ دنیا تصور میکنند تنها با مذاکرات و کنفرانسها و یک سلسله مشاجرات لفظی میتوان فرشته فراری صلح را بازگردانید و باین آرزوی بزرگ انسانی تحقق بخشید .

شکی نیست تشکیل جلسات و مذاکرات سران کشورها (بشرط اینکه با حسن نیت توأم باشد و منظور یک رشته مانورهای تبلیغاتی نباشد !) کمک مؤثری بایجاد حسن تفاهم و برطرف ساختن سوءظن های بیجا میکند ؛ ولی این اشتباه بزرگی است که تصور کنیم تنها با حرف میتوان دنیای کنونی را از لب پر تگاه جنگ جهانی .

باید علل و عواملی که باعث بروز جنگهای سرد و گرم و تشدید اختلافات و وخامت اوضاع جهان میشود ، بکمک نمونه های موجود ؛ پیدا کرد و با فعالیتهای مداوم و کوششهای بی گیر آنها را سوزانید زیر ابدیهی است که حوادث اجتماعی مانند حوادث جهان طبیعت معلول یک سلسله علل واقعی است که تا آنها وجود دارد چنین حوادثی را خواه ناخواه بدنبال خود میکشاند .

هرگز شنیده اید آدم عاقلی تنها با حرف و صحبت بچنگ یک بیماری کوچک برو . ؛ بنابراین چطور میتوان تنها با مذاکرات این بیماری حادی را که دنیای کنونی بآن مبتلاست درمان کرد ؟

بعقیده ما وخامت اوضاع دنیای فعلی بیشتر معلول دو چیز است :

نخست اینکه همه یا غالب دولتها بحقوق واقعی خود قانع نیستند و بنام « حفظ منافع خود » همواره سعی دارند حقوق دیگران را پایمال کرده و تا آنجا که اوضاع بین المللی اجازه میدهد دیگران را استثمار و استعمار کنند ؛

دیگر اینکه : حس اعتماد در میان دول و ملل مختلف جهان بکلی از بین رفته و یک سلب اطمینان ناراحت کننده و خطرناکی جای آنرا گرفته است و بدنبال آن کلیه تمهیدات و مقررات بین المللی متزلزل شده و مرجع و مقامی که مورد اتفاق و اطمینان همه دنیا باشد وجود ندارد ، تازه اگر هم (فرضاً) پیدا شود قدرتی برای اجراء نظرات آن وجود ندارد !

برای زنده کردن روح حق شناسی و احترام بحقوق دیگران و ایجاد حسن ظن و اطمینان و الزام بتمهیدات ، هیچ راهی جز بسط اصول اخلاقی و تقویت بنیه های معنوی نیست آنهم جز با الهام از دستورات انبیاء و پیغمبران خدامیسر نمیشد و بدون آن تنها از «فرشته صلح» مجسمه ای خواهیم دید و بس ! امیدواریم در آینده در توضیح این حقیقت باز صحبت کنیم .



وای بوقتی که بگنند نمک !

وزیر فرهنگ گفت : دبیری را میشناسم که لیسانسیه

ادبیات است ، در مقابل این سؤال که زرتشت کیست و در

چه سالی متولد شده ؟ برای من نوشت :

«زرتشت بسال ۳۰ هجری تولد یافت ! بعداً اسلام آورد!»

و سپس بجنک پرداخت و درسال ۶۰ «قبل از میلاد» اسلام

را از بین برد» !!!

(لعل از اتحاد ملی)